



من مکران هستم

رضیه افضل زاده

تصویرگر: لاله ضیایی

اگر می‌خواهی مرا پیدا کنی، نقشه‌ی ایران را بردار و به پایین‌ترین نقطه‌ی سمت شرق نقشه نگاه کن. من روزهای طولانی و شب‌های زیادی را در زمین‌ها و جنگل‌ها و دریای خودم دیده‌ام. من سرزمینی هستم با تاریخچه‌ای بسیار طولانی. در بسیاری از کتاب‌های تاریخی قدیمی می‌توانی نام مرا پیدا کنی. در کتاب شاهنامه فردوسی هم از من نام برده شده است. انسان‌های زیادی بر من حکومت کرده‌اند و امروزه کشتی‌های مختلف در آرامش و امنیت از کنار من می‌گذرند و این نشانه‌ای است از اقتدار نیروی دریایی جمهوری اسلامی ایران که امنیت من را حفظ می‌کنند. من اینجا هستم تا از زیبایی‌های خودم بگویم. تا حالا کویر رفته‌ای؟ می‌دانی که در کویر فقط شن است و تپه‌های شنی و خار؟ ولی من از کویرهایی هستم که به دریا می‌رسند. شبیه این کویرها فقط یکی دو تایی دیگر در دنیا وجود دارد. من یکی از مخلوقات زیبای خداوند هستم. طلوع و غروب خورشید در سواحل من بسیار دیدنی است؛ شاید همانند آن در هیچ ساحل دیگری پیدا نشود.





از زیبایی‌های دیگر من کوه‌هایی است که به آن کوه‌های مریخی می‌گویند. اگر عکس‌هایی از سیاره مریخ دیده باشی می‌توانی حدس بزنی چرا نام این کوه‌ها را کوه‌های مریخی گذاشته‌اند. از بس که این کوه‌ها به سیاره مریخ شبیه هستند.

آیا تا به حال چشمه‌ی گل دیده‌ای؟ یعنی چشمه‌ای که از دل زمین بجوشد؟ من تپه‌های گل افشان را در خود دارم که از جوشیدن گل و از چشمه‌های گلی به وجود آمده است.



مردم سرزمین من بلوچ هستند. حتماً آن‌ها را می‌شناسی؟ مردمی خونگرم که مردانشان لباس‌های بلند سفید می‌پوشند و خانم‌هایشان لباس‌های سوزن‌دوزی شده و آینه‌کاری شده.

من فقط قسمت کوچکی از زیبایی‌های خودم را برایت تعریف کردم. خیلی دوست دارم به زودی تو را از نزدیک ببینم و در گوش تو زمزمه کنم؛ من مکران هستم، از زیباترین مناطق سرزمین ایران.

